

طنز اصیل، کاریکاتور طنز

نوشته و داد حمیدی شریف

مدخل:

نمادها و طرق گویایی زبان اندیشه و یا همان آرایه‌های ذوقی چگونه گفتن، آن زمان قادر به «همبسته» و «معنی‌دار» شدن بر مسیر اهداف انسانی و انشاء دانندگی و نشر فرهنگ و تعقیب جریان سالم زندگی می‌گردند که ملهم از واقعیات پیرامون و جریان طبیعی زندگی باشند، این می‌تواند هم قرائت فکر و ذوق از عین زندگی باشد و هم انعکاسی از عین زندگی در فکر و ذوق.

طنز که نوعی گویایی در زبان و ادبیات است، مقوله‌ایست که از همین زاویه باید به آن نگریست. جوهره ادبیات مکتوب شنیداری و تصویری و دیداری، برخوردار از دو وجه جد و طنز است. شیوه پرداختن به طنز، به ظرائف و نکاتی محتاج است که با رفع آن احتیاج می‌توان در آن وادی قدم نهاد.

حقیقت طنز، کنکاشی سخت، جستجویی خشن و تیز و جراحی و پرده‌داری بر واقعیت است، از اینرو با لودگی و مسخره‌گی هیچ سنجی ندارد. با توجه به حجمی که امروزه در ادبیات تصویری به موضوع طنز اختصاص می‌یابد، ضرورت برخوردار از شناختی «کلاسیک» نسبت به آن، دقیقاً احساس می‌شود و بر این حس، در این مقاله به آن پرداخته‌ایم.

مضمون و محتوا

«آن نوع ادبی که در فارسی طنز اصطلاح شده عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است، که ضمن دادن تصویر هجو آمیز از جهات زشت و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق آمیز، یعنی زشت‌تر و بد ترکیب‌تر از آنچه هست نمایش می‌دهد، تا صفات و مشخصات آنها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود با اندیشه یک زندگی عالی و مأمول آشکار گردد.» بدین ترتیب قلم طنز نویس با هر چه که مرده و

کهنه و واپس مانده است و با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت باز می‌دارد بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند.

«مبانی طنز بر شوخی و خنده است. اما این خنده خنده شوخی و شادمانی نیست. خنده‌ای است تلخ و جدی و دردناک و همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زننده و نیشدار که با ایجاد ترس و بیم، خطا کاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است بر طرف می‌کند... این نوع خنده، خنده علاقه و دلسوزی است: ناراحت می‌کند، اما بمنون می‌سازد و کسانی را که معروض آن هستند به اندیشه و فکر وامی‌دارد.»^(۱)

اینجانب، مختصرتر از این شرح بر مضمون طنز که بتوان آنرا اشاره «مستقیم» بر فورم و محتوای طنز دانست، کم دیده‌ام. این شرح به ما می‌گوید که «طنز» روش ویژه‌ای است در نویسندگی، لاجرم، دریافته می‌شود که طنز می‌باید برخوردار از ویژگی‌هایی در مجموع باشد که آنرا از صورتهای دیگر جدا می‌سازد. از خصوصیات ویژه این روش در نشوون، ارائه «تصویر» هجو آمیز از جهات ناجور زندگی و بیان معایب است آن هم به صورتی اغراق آمیز، چرا که طنز پرداز می‌خواهد تا تضاد عمیق بین پدیده‌ها و عوامل اجتماعی راه، روش‌تر و نمایان‌تر جلوه دهد و می‌خواهد تا بدان نحو، به بسط درستی رفتارها و

زیبایی‌ها و بیان زشتی‌ها پردازد. چرنیشفسکی^(۲) «طنز نویسی را بالاترین درجه نقد می‌داند»، چرا که طنز پرداز با ایجاد دگرگونی در حوادث و تیپ‌ها و شخصیت‌ها و نوع روابط، به هنر بدیعی می‌پردازد که در آن بتواند، به واقعیات بیشتری در متن زندگی دست یابد و بدین طریق خوانندگان خود را به آنسوی از وقایع و حقایق زندگی بکشاند که در پشت پرده‌ای از تظاهر و فریب کاری پنهان گردیده‌اند.

طنز بر آن می‌کوشد، تا مرز بین زندگی واقعی و زندگی عالی و مأمول را به تصویر کشاند و تضاد بین آنچه که «واقعیت» دارد و آنچه که از واقعیت اندیشی، کتمان و پنهان می‌شود، آشکار سازد.

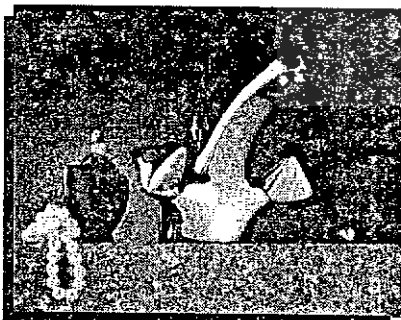


شیرکالت

شرکت تولیدی شیرآلات بهداشتی

(سهامی خاص)

با سی سال تجربه در زمینه تولید و بهره‌گیری از تکنولوژی برتر و دانش روز تولیدات خود را با تکیه بر:



- کیفیت برتر
- رعایت کلیه نکات فنی
- تنوع و زیبایی
- مهر استاندارد

و در بسته‌بندی‌های مناسب به بازارهای داخلی و خارج عرضه می‌نماید.

دفتر مرکزی: میدان ونک، خیابان ملاصدرا، شماره ۹۲
 تلفن: ۸۰۳۲۲۵۵ - ۸۰۳۶۹۴۴ - فاکس: ۸۰۳۶۱۹۷
 کارخانه: خیابان دماوند، خیابان سازمان آب، شماره ۱۴
 تلفن: ۸۱ - ۷۳۴۹۶۷۸ فاکس: ۷۳۴۹۶۴۳

ابتدائی قلم می‌زنند تا که در پی آزمون و خطا، تجربه اندوزند.

وسعت یابی دامنه ارتباطات نزدیک جریان روشنفکری ایران با اروپا در فاصله دو جنگ جهانی، مسیرهای تازه‌ای را در پرورش جوهره ادبیات می‌گشاید و طبعاً، «طنز» نیز از این جوهره بهره‌مند می‌شود.

در همین دوره طنز مکتوب با شیوه‌های نوینی خود را به «تصویر» نزدیک می‌کند. کاریکاتور به معانی اجتماعی می‌پردازد و زبان گویایی می‌شود در بیان مصائب اجتماعی و رخدادهای سیاسی. قوالب تازه‌ای در نظم و نثر براساس دیده‌ها و شنیده‌ها به منظور عرضه طنز ابداع می‌شود و اگرچه از عهده رسالت خود، به نستی قابل پذیرش و تأیید برآمده‌اند اما، ایرادی که کلی بر آن رواست اینست که اولاً این روشهای نوین بر پیشینه‌های قبلی موجود در فرهنگ ملی استوار نبوده‌اند و در ثانی، خود به پیشینه‌ای برای رهروان جدید تبدیل نشده‌اند چراکه صاحب ریشه‌ای در فرهنگ ملی نبوده‌اند و تمایل به الگوگیری تا الگوپردازی در آنها بیشتر و غالب بوده است.

براساس فوق، به هر دورهای که زایشی در موضوع طنز صورت پذیرفته، به دلیل فقدان سابقه و پیشینه، زایشی ناقص و بی‌پشتوانه و بی‌کشش برای آینده بوده است. این نقص سبب شده تا (۱) نوزاد جدید فاقد اسلوب پرورشی باشد، لاجرم (۲) قوالب و ساختارهای نو بر تقلیدی محض استوار گردند و (۳) به دلیل آغاز از صفر و رسیدن به نقطه‌ای و بعد قطع ادامه مسیر، سیر تکاملی و پویایی بر طریقی یکدست، میسر نشود.

در نتیجه خطوط موازی بسیاری و بالطبع بی‌مقصد و مقصود و هدفی، به عنوان طنز عرضه گردد که هیچ یک بر دیگری، فزاینده و خلاقیت و نوآوری نیفزوده است. در آن هر کسی ساز خود را زده است و طبعاً نمی‌توان از این تراوشات ناساز، انتظار استماع آهنگ، سازی را داشت!

طنز در ادبیات تصویری و دیداری

باید دقت داشت که اولاً این گذشته رشته رشته بر مقوله طنز، سببی نباید باشد تا از مطالعه آن پرهیز داشت، ثانیاً این پیشینه با تمامی بی‌انجامی خود، مبین بخشی از تاریخ ادبیات ماست. آن تاریخ، قطعاً می‌بایستی مورد مطالعه واقع شود. ثالثاً آنچه که هست، با ارزشترین ظرائف نکات،

طنز، جدی‌ترین صورت نمایش و مشاهده رفتار خود است، خاصه آن بخش از رفتارهایمان که تصور می‌کنیم بهترین عمل ممکن است.

براساس استهزاء این و آن، نیست و آموخته و آموزنده می‌شود که «طنز» و «واقعیات اجتماعی» توأمان یکدیگرند، همچنین راهکارهایی مناسب از بهر بیان تأملات اجتماعی و ظرائف به نقد کشیدن رفتارها و اندیشه‌های مغایر با رشد فکری و موانع ترقی اجتماعی، حاصل می‌آید. از این زمان به بعد است که سادگی در بیان و نوشته‌ها و نزدیک کردن ادبیات به فرهنگ مردم مورد توجه واقع می‌شود، دهخدا به ساده‌نویسی می‌پردازد و طنز را بدور از مکالمات پُر آرایه بکار می‌گیرد. کاری که بعدها جمالزاده در داستان کوتاه بکار برد. دقت به این نکته مهم است که «دهخدا با نمایاندن جهات تاریک و مظلم زندگی، جهت روشن و امید بخش آن را هرگز فراموش نمی‌کرد.»^(۴)

از اینرو طنزی که دهخدا به آن می‌پرداخت، رایحه هستن و شدن را شامل بود. شعر طنز آمیز، با حضور سید اشرف الدین قزوینی و میرزا علی اکبر طاهرزاده رونقی می‌یابد و می‌رود که طنز در ادبیات ایران با حضور ده‌ها نشریه و مجله و افراد ادیب و سرآمد، صاحب سبک و مخزنی از سوابق و پیشینه شود که وقوع جنگ جهانی اول، در این تجربه اندوزی مهم، خللی بزرگ ایجاد می‌کند و در را بر پاشنه اول، باز می‌گرداند.

بعد از طی یک دوره نسبتاً طولانی رکود و محدودیت که بر ادبیات مکتوب خاصه مطبوعات (روزنامه و گاه‌نامه) می‌رود، اقدام دوباره طنز پردازان، مستأفانه بی‌بهره‌مندی از سوابق و پیشینه‌های در اختیار، گام از نخست می‌زند! به جای بهره‌مندی از تجارب گذشته، در تجربه اندوزی

طنز، ملغمه‌ای از شوخی و خنده و لودگی نیست. طنز دقیقاً به مشابهت یک قطعه موسیقی، دارای پیش درآمد، فراز، (نقطه اوج معنی) و فرود (کلام نتیجه) است. نقطه اوج طنز آنجاست که تصویری از جهات بلند و پست، شایست و ناشایست واقعیات زندگی را به منظور تنگ کردن زاویه خواننده به خاطر تیزی بخشیدن به نگاه او و ریزینی ارائه کند.

مضمون و تیپیک طنز، خواننده را به جوف واقعیت رهنمون می‌کند و او را از ظاهر سازیها و ظاهر نمایشها به درک واقعیات پیرامون خود می‌کشاند (نقطه فرود) و اینجاست که طنز را زبان گویای دردمندیها و دردناکیهای محیط به شمار می‌آورند.

از عبید تا دهخدا...

در سابقه ادبیات مکتوب ما، پیش از مشروطیت، طنز از پیشینه خاصی حول آنچه که بر شمریم، برخوردار نیست و این را شاید علتی جز این نباشد که در گذشته، شرایط خاصه سیستم‌های اجتماعی، فرصت پرورش ادبیاتی اجتماعی و جامعه‌گرا و غیر فرمایشی و رها از فورموله‌های درباری را سلب کرده است.

نمونه‌هایی در خور و شایسته همچون موش و گربه عبید زاکانی و پاره‌ای از قطعات نظم طنز آلود او و یا پاره‌ای اشارات طنز آمیز از ملا نصرالدین^(۳) و انگشت شمار مواردی دیگر، در قیاس با حجم ادبیات مکتوب هزار ساله ایران در رشته‌های دیگر، بسیار اندک و فقیرانه است.

گرچه آثاری از عبید زاکانی از فراخوری خاصه‌ای در دنیای طنز برخوردار است اما به دلیل (۱) فقدان تداوم و افزونی (۲) بریدگی و عدم انسجام سبکی و قالبی (۳) مقطعی بودن و (۴) غلبه یافتن عوامل شخصی و برخوردارهای فردی در طنز، به جای درک مضامین اجتماعی و شناخت علل به جای معلول‌ها، زمینه مساعدی را در پرورش موضوع طنز فراهم نکرده است.

به یقین، در جریان و بعد از مشروطیت است که طنز، نزدیک به ساختارهای فورمیک و مضامین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ادبیات ایران رقم می‌خورد. متأثر از شیوه طنز پردازی در اروپا، ماهیت طنز در ایران نیز تغییر می‌یابد. از آن به بعد است که طنز در ادبیات ایران به مسخره گرفتن افراد و انگیزه‌های شخصی خلاصه نمی‌شود. فرا گرفته می‌شود که، «طنز» لودگی و خندانیدن دیگران

کامیابها، و ناکامیها را در خود خلاصه دارد و تجارب گرانقدری است که ارزان و مفت بدست نیامده است. همین، معرفت بخش با کلاسی از ادبیات غنی و فرهنگ ملی است که باید قدر دانسته شده و ممنون آن و خالقین آن باشیم.

از آثار عبید زکاتی گرفته تا معاصرین یکصد ساله اخیر، گنج با ناز و پُر کرشمه‌ای از طنز پرداخت شده است که در هر لایه خود، فرآیندی از تاریخ این سرزمین، در همسویی پربارترین تراوشات فکری، در کنار مردم و با مردم را نشان می‌دهد.

شکوه و گلایه اینجاست که چرا تراوشات هنری معاصر نباید آن پشتوانه را مطالعه و متکی به آن عرضه شوند، خاصه آنکه عمده مخاطبین آثار هنری معاصر، از طریق ادبیات تصویری و شنیداری مورد خطاب واقع می‌شوند.

امروزه اکثر جوامع و کثیری از مردم به هر سن و رنگ و بویی و ساکن هر محدوده جغرافیایی، سینما، تلویزیون، ماهواره و رایانه و اینترنت و کمپکت دیسک صوتی و تصویری را می‌شناسند و کسی که با قدرت سحر و فسون آن، آشنا نباشد، سراغ نداریم و می‌دانیم که سرعت انتقال پیام از طریق این وسائل، با سرعت مساویست.

مخاطبین این وسائل، همه آماده درک تولیدات فرهنگی و الگوها و سرمونهای تربیتی و اجتماعی هستند و اگر بپذیریم که میل به دانستن با میل به تشنگی و گرسنگی تفاوتی ندارد، بر ضرورت چه و چگونه دانستن بیشتر خواهیم اندیشید.

طنز در ادبیات تصویری و شنیداری هیچگاه دارای تعریفی جدای از مفاهیم و مبانی و علل وجودی در ادبیات مکتوب نیست. طنز در ادبیات دیداری همان «مستنی» است که می‌توان از «قرائت» آن پی به مناسبات اجتماعی، روابط پیرامونی و شناخت نسبت به طبیعت پیرامون برد تا بوسیله آن با کمک از حس ظریف طبایع آدمی و جوهر جاذب و زبان نیشدار طنز، به انگیزش ادراکات اقدام کرد.

طنز که در لباس ویژه خود، اسباب دلشادی و جاری گشتن لبخند را برای گشایش روان خسته آدمی به هدیه می‌آورد، به قصد آنست تا بدین سبک و نحوه، «اندیشه ورزی» آدمی را از جوف این «گشادگی خیال و راحتی روان و لبخندگی چهره» بیرون بکشاند و به مقام دانستن و آگاهی جستن بکشاند.

از ویژگی خاص ادبیات نمایشی در خصوص طنز، همین است که ابتدا مخاطب خود را از محدوده رنج و تفکر شخصی و فردی خارج می‌سازد و بعد از آن، و در حالی که او را با شوخ طبعی و خنده، رها شدگی بخشانده است، با مناسباتی کلی و شرائطی غالب که هزاران چو او را در بند داشته است آشنا می‌سازد و چون زمان و مکان در ادبیات دیداری و فیلم مطرح نیست، این مهم گیراتر و جذاب‌تر صورت می‌پذیرد.

چارلی چاپلین، نماد بارزی از این جلوه‌هاست. در «عصر جدید» او به شیوه‌ای خشم آگین «طنز» می‌گوید! و آن هنگام که «تراژدی» و «کمدی» را در هزارم ثانیه، کنار هم قرار می‌دهد به شیوه منطقی به طنز می‌پردازد!

طنز، نرمانی و زبرانی دو سویه‌ای چون کارد دو لبه را دارد، هم تشریحی چهره را می‌گشاید و هم پوسته زخمهای کهنه و آلام را. اما متأسفانه، به مدد هنر هفتم، بر موضوع طنز گاهی به آن وجهی پرداخته می‌شود که صرفاً به قصد شوخی و مضحکه و دلقک‌واری رفتار و ارائه لودگی و حرکات بی‌معنی و جملات بی‌مضمون و صرفاً «تکیه کلاهی» تدارک یافته است و مشاهده این صور و حالات، از پیام رسان‌های دیداری و تصویری، خاصه تلویزیون که مخاطبین عمده‌ای در مقاطع سنی متفاوت دارد، آثار نامطلوبی را باعث است که جدا افتادگی از واقعیت زندگی، هرز رفتگی ذوق و احساس، جدایی مسیر درست شناخت و ندیدن تصویر واقعی زندگی و تقلید کورکورانه ضد هنری، بخشی از آن است.

در ادبیات تصویری، خنده مخاطب و رهاشدگی او را به این خاطر در مقصود و هدف خود داریم، تا که او را بعد از رها شدگی و خندیدن، در باب تأملات عمیق، به بند در آوریم و از سرسری نگاه کردن، به دور داریم!

«باید پذیرفت که پرداختن به طنز کار مشکلی است، نگرش و استعداد هنری در کنار طبع و لطیف و نگاه تیز بین، روحیه زیبایی شناس و زیبایی جو به همراه فکر جامعه شناسانه لازمه پرداختن به آن است.» (۵) و دقیقاً از همین زاویه است که طنز را در رسانه‌های شنیداری و دیداری باید جدی تلقی کرد.

در فیلم و ادبیات تصویری، به دلیل تقابل روی در روی بازیگر با مخاطب، ظرائف و ویژه‌ای مطرح می‌شود که قالب چهره، رفتار، حرکات، روانی طبع و صداقت در عمل و خلوص حرکات به زیر ذره بین

نگاه تیزبین واقع می‌گردد، از اینرو ضرورت درک دو نوع ادبیات در دستور قرار می‌گیرد؛ یکی ادبیات مکتوب به عبارت دیالوگ و جملات متن و دیگری ادبیات تصویری به عبارت چهره، حرکات و رفتار و صحنه پردازی. از این دو که بگذریم به عنصری بر می‌خوریم که «مضمون و محتوا» نام دارد که هم باید در «متن» باشد و هم در «رفتار» از این روی عنوان طنز، عنوان ساده‌ای نیست که به هر نوع رفتار خنده‌آوری که از سوی نقش آفرینان انجام شود، بتوان اطلاق کرد.

طنز پرداز در کار خود، رضایت شنونده و بیننده را باید در آن بجوید که تفکر عمیق او را بعد از لحظه‌ای درنگ با خنده، برانگیزاند نه آنکه با اتکاء به لودگی و نمایش روحی و آسا و شاگردی، بی‌خیالی مخاطب و صرفاً شاد بودن او را در غمباری زندگی جستجو و تأمین کند.

طنز در پی دقیقه و ساعتی خوش نیست و آن نیست که آنرا جدی بگیرند، طنز یک شوخ طبعی از بهر جدی تلقی کردن است.

طنز، جدی‌ترین صورت نمایش و مشاهده رفتار خود است، خاصه آن بخش از رفتارهایمان که تصور می‌کنیم بهترین عمل ممکن است.

امروزه، شاهد رونق روز افزون و وسعت ادبیات دیداری نسبت به ادبیات مکتوب هستیم. از این روی شایسته است تا با نگاهی جدی به موضوع طنز، خاصه در ابعاد گونه‌گون ادبیات تصویری:

- ۱) از سوابق و پیشینه‌های طنز در ادبیات مکتوب بهره‌گیریم (۲) ملهم از نحوه پردازش طنز در ادبیات تصویری معاصر به (۳) کلاسمانی در نوع ارائه طنز دسترسی بیابیم. (۴) از استعدادهای خالقین آثار ادبیات مکتوب در رشته طنز، بهره‌گیریم و (۵) با دور داشتن نحوه ارائه طنز از سبک‌های کهنه و روشهای ابتدایی و نارسا و (۶) جدا شدن از لودگی و حرکات مزاحم و جلف و بی‌معنی بر (۷) رسالت اصلی ادبیات دیداری در پرورش روحیه شاد جمعی و (۸) آگاهی دهنده در جهت ارتقاء دانش رفتار اجتماعی بر مسیر پذیرش هنجاری، اهتمام ورزیم.

پانویس‌ها:
 ۱) از صبا تا نیما، یحیی آریسن‌پور، جلد دوم، صفحه ۲۶ چاپ چهارم، کتابهای جیبی
 ۲) نیکلای چرنیشفسکی (۱۸۸۹-۱۸۲۸) منتقد روسی
 ۳) از ترکان آناتولی
 ۴) از صبا تا نیما، جلد دوم، صفحه ۷۹ همان چاپ
 ۵) وداد حمیدی شریف، طنز و جای خالی آن در سینما، روزنامه توسعه شماره ۶